



سازندگی - درباره اهداف آن می‌گوید: از نظر جهادی‌ها مهم‌ترین عنصر در سازندگی، انسان است. محور تمام توسعه‌ها و تمام ساخت‌ها انسان است.... بقیه عناصر سازندگی و پیشرفت، فرع بر قضا یا است. وقتی انسان را در روستا بالا می‌کشی، روستا توسعه پیدا می‌کند.... حرف جهادی‌ها با یک روستایی این بود: «تو انسان و خلیفه خدا هستی. چرا فقط یک روستا را آباد کنی؟ بیا انقلاب اسلامی را پیش ببر، کشور را نجات بده. مستضعفان را نجات بده.» این کار فقط در روستا انجام نمی‌شد، در جبهه اتفاق می‌افتاد. جوان روستایی‌ای که به جبهه می‌آمد، طوری از لحاظ معنوی متعالی می‌شد که در یکی دو ماه می‌توانستید بوی شهادت را از او استشمام کنید».

بر خلاف آنچه فکر می‌کنند نهادی مثل جهاد برای مردم کار نمی‌کرد بلکه با مردم کار می‌کرد. هدف جهاد توانمندسازی مردم بود و محرومیت‌زدایی بود نه تنها کمک به محرومان! در جهاد رسم بود اگر مردم برای همیاری نمی‌آمدند جهاد کاری را شروع نمی‌کرد چون از نظر جهاد موتور محرکه مردم بودند. همراه کردن مردم اصل بود. بزودی حیطه عمل جهاد سازندگی



این عقلانیت جدید نیاز به نهادهای جدیدی دارد که باید در تعامل امام و مردم ساخته شوند. در این نهادها دوگانه امام و امت است. امام فرمان داده است و امت به میدان می‌آید. در دوگانه امام و امت اساساً بدنه محرکه جامعه مردمنده و مرکز تنظیم‌گر امام است. در مقابل اما بوروکراسی در چهارچوب دولت و ملت شکل گرفته است. سازندگی کار دولت است و ملت شهروند است و از آن اطاعت می‌کند و نهایتاً در کار دولت مشارکت دارد.

در تکوین این نهادها معمولاً ابتدا امام خطوط کلی انقلاب را در دوره‌ها و حوزه‌های مختلف مطرح می‌کنند، مثلاً سازندگی یا امنیت یا... و بعد از مردم می‌خواهند که در این حوزه‌ها وارد میدان جهاد شوند. سپس به وسیله جمعی از مردم برخاسته ذیل انقلاب، در راستای این خطوط، طرحی برای سازمان‌دهی نیروی اجتماعی انقلاب تدوین می‌شود و امام هم که آمادگی عمومی برای جهاد در آن حوزه را می‌بینند، پیام و فرمان تشکیل عمومی یک نهاد انقلابی برای شکل‌دهی به جبهه مبارزات انقلاب در آن حوزه را می‌دهند و این می‌شود آغاز یک نهاد انقلابی مثل جهاد سازندگی یا کمیته انقلاب یا کمیته امداد. شهید بهشتی ایده انقلاب اداری را در این راستا تعریف می‌کرد. ایده این بود که اول باید فضاهایی خارج از نهادهای اداری با هویت انقلابی تشکیل شود و پس از آنکه این فضاها نظام درونی خود را بر اساس مطلوبیت‌های انقلابی شکل دادند و حالت نهادی گرفتند، آنگاه این نظم انقلابی بر سایر ادارات حاکم شود و بدین شکل نظام اداری سابق واژگون شده و نظام جدید روی کار بیاید. این دیدگاه مبنای تشکیل نهادهای انقلابی بودند که با طلوع انقلاب متولد شدند. جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب اسلامی، دادگاه‌های انقلاب، هیأت‌های هفت نفره زمین، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، نهضت سوادآموزی، کمیته امداد امام خمینی، بسیج مستضعفان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و ...

این نهادها بستری برای بروز اراده مردمی بودند و اصل‌ترین وجهه آنها همین بروز اراده انسان‌ها و سالار شدن آنها بر سرنوشت خود است. به طور مثال مرحوم حسینعلی عظیمی از مؤسسين جهاد

”

بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید

